

پیغام پیغام

پیامک‌ها

۱. مجله را بچاپید!

۰۹۱۹-۰۰۰-۲۳۴۱



اولا دست‌تون درد نکنه که به یاد جانباز امر به معروف (هاشم فروزش) بودید. دوما: ایشالا دست‌تون پر از طلا بشه که پولش کنید و مجله رو همین جور پر پیمون و جالب هر ماه بچاپید!

* ای بابا... برادر من؛ «بچاپید!» دیگر چه صیغه‌ایست؟! لااقل می‌فرمودید «چاپ کنید!» که یک وقت سوءتفاهم پیش نیاید که قرار است ما آن طلاهای فرضی را پول کنیم و پولش را بچاپید!



2. man oostaye zerang ha hastam

۰۹۳۸-۰۰۰-۲۴۰۱

«salam. Man too bahse sherkathaye herame hesabi zerang bazi dar avordam va ye toman kaseb shodam! Hich zarari ham nakardam. Ama fori poolam ro az hesab keshidam biroon ke kolah saram nazaran!»

* ای‌ی‌ی‌ی استادا! توصیه می‌کنیم یک کیلو اسفند برای خودتان دود کنید که یک تومن (یک میلیون یا شاید هم دقیقا یک تومان!) در این سیستم کاسی کردید!

اما انگار بحث احکام ویژه‌نامه شرکت‌های هرمی را نخوانده‌اید! اگر صلاح می‌دانید یک دور احکام شماره ۱۲۹ را بخوانید که یک وقت پولی که عایدتان شده، هیزم جهنم نباشد؛ استادا!!!

نامه‌ها

۱. از پیامک‌ها چه خبر؟



خانم رضوی از تهران، جزء مخاطب‌های ثابت ما هستند که معمولا حسابی با ما در ارتباط هستند: «پیشنهاد می‌دهم پیامک‌هایی را که به فراخور مناسبت‌های مختلف در مجله چاپ می‌کردید، باز هم ادامه بدهید. چند وقتی‌ست از پیامک‌ها خبری نیست؟!»

* اصولا ما با چاپ کردن پیامک‌های مناسبتی در مجله مشکلی نداریم. مشکل این‌جاست که یکی از بزرگواران زحمت کشیده‌اند و تعداد زیادی از پیامک‌هایی را که در دیدار و با قلم نویسندگان این نشریه تهیه شده بود را در قالب یک کتاب و با نام خودشان چاپ کرده‌اند. نویسندگان ما هم حسابی شاکی شده‌اند و فعلا تا اطلاع ثانوی قصد دارند جهت جلوگیری از هرگونه اتفاقات این‌چنینی، اثر ادبی تولید نکنند!

۲. دیه ما را که دادید تنبیه می‌شید!



آقای «الف - م» که در نامه‌شان، از ما خواسته‌اند که اسم کامل‌شان را ذکر نکنیم، گفته‌اند:

«یک مقدار ملاحظه ما را هم بکنید! ویژه‌نامه خرداد که [کار] بود. ویژه‌نامه تیرماه هم که [شرکت‌های هرمی] بود و بنده از هر دوی این‌ها زخم خورده‌ام... بابا ملاحظه کنید، یک‌هوا می‌فتم سکنه می‌کنیم، دیه ما می‌فته گردن‌تون‌ها!!!!»

* برادر عزیز اولاً که شایعه نسازید لطفا! کدوم بیکاری؟!!

دوما: حالا که خرج دیه افتاد گردن‌مان بد نیست در جریان باشید که یک پرونده ویژه، مخصوص دق دادن آقایان در دست تهیه داریم! لطفاً تا آن موقع از هرگونه دق کردن خودداری کنید تا پرونده‌اش از راه برسد!



روی میز تحریریه

جیل

۳۴

ش ۱۳۰

● نصف‌مون زیر زمین می‌باشه!

هی شما ما رو یک جورهایی نگاه کردید، ما هم هیچی به روی خودمون نیاوردیم! یک‌هوا ناغافل زدیم چند صفحه‌مون رو «کن فیکون» کردیم تا چند صفحه با حال و هوای جدیدتری را شاهد باشیم.

با صفحات «سینمای آشنا» و «تحلیل آشنا» خدا حافظی کردیم و پرونده‌شان را زدیم زیر بغل‌شان. همین روزهاست که زیر آب یکی دو صفحه دیگر را هم بزیم! اصلا ما به طرز ناجوری دنبال بهانه می‌گردیم تا نسخه یکی دو صفحه دیگر را بیچیم، در عوض برای صفحات‌شان نقشه‌های جدیدی داریم!

● ما که از رو نمی‌ریم!

آنقدر این جا توی دفتر نشریه خودمان را زمین کوبیدیم و گریه کردیم و بهانه آوردیم تا آخرش یک اتفاقی افتاد... هی مثل این بچه‌های نق‌نقو که مدام کلید می‌کنند: «من پفک می‌خوام!...» ما هم آنقدر کلید کردیم و بهانه «دو هفته‌نامه» شدن را گرفتیم تا آخرش یک گشایش‌هایی رخ داد. فعلا پنجاه درصد قضیه حل است! مدیرمسئول مجله پذیرفتند... می‌ماند پنجاه درصد باقیمانده، که آن هم مربوط می‌شود به گیر و گرفتاری‌های اداری و قانونی وزارت ارشاد... که آن هم ایشالا تا هفت هشت ماه دیگه حله... فوق فوقش؛ تا چهار پنج ساله دیگه هم شاید طول بکشد! می‌بینید همه چیز چقدر راحت حل می‌شه؟!!

● پرونده‌های باحال در راهند!

نخیرم! همه پرونده‌های ویژه ما، خیلی هم باحالتند. ما هم اصلا ادعای با جنبه بودن نداریم و هر کسی انتقاد کند، فوراً یک بلایی سرش می‌آوریم!

با این اوصاف، سری جدید پرونده‌های ویژه‌مان را از مهر ماه برایتان رو می‌کنیم تا مستفیض شوید.

خیلی وقت هم هست که ترک عادت کرده‌ایم و دیگر لو نمی‌دهیم که مثلا پرونده مهرماه‌مان «سربازی» است و یا آذرماه... ای وای؛ باز هم که لو دادیم!

● یک مقدار خودتان را تحویل بگیرید!

یک بار دیگر، یک ایده‌ای داریم در حد لواشک! (این بار هم، مثل همان دفعه قبلی، همین جوری گفتیم لواشک... مگر حتما باید دلیل خاصی داشته باشیم؟!)

یکی از صفحات جدید آینده‌مان در مورد جوانانی‌ست که با یک ایده خلاقانه، برای خودشان و یا حتی برای چند نفر دیگر به جز خودشان، اشتغال آفرینی کرده‌اند.

اگر احساس می‌کنید شما هم جزء این دسته از جوانان هستید حتما یک بیوگرافی کامل از خودتان و کاری که شروع کرده‌اید به آدرس ایمیل: Didareashena@gmail.com بفرستید تا بیائیم سراغ‌تان!